

رابطه پیشرفت تحصیلی و سرمایه اجتماعی

دکتر افسانه وارسته فر^۱، دکتر حمیده ژیان باقری^۲

چکیده

جامعه امروز ما نسبت به دهه های گذشته حتی گذشته های نه چندان دور از رشد قابل ملاحظه ای در پیشرفت تحصیلی برخوردار شده و تحصیلات دانشگاهی امری فراگیر در زندگی جوانان است. این مقاله نشان می دهد که آیا پیشرفت تحصیلی زندگی اجتماعی بهتری را به ارمغان آورده به عبارت دیگر ارتباط مستقیم معناداری بین پیشرفت تحصیلی به عنوان متغیر مستقل و سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته مشاهده می گردد؟ روش تحقیق پیمایشی بوده و جمع آوری داده ها با ابزار پرسشنامه ی محقق ساخته انجام گرفته است. جامعه آماری، نوجوانان شاغل به تحصیل در مقطع راهنمایی تحصیلی برپایه ی آمار رسمی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران می باشد. نمونه گیری که اهمیت به سزایی در تعمیم پذیری نتایج این پژوهش های میدانی دارد به صورت ترکیبی و مرحله ای با روش هدفمند، سهمیه ای و تصادفی با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده و 195 نمونه مورد پرسش کارشناسی قرار گرفته اند. با دسته بندی و توصیف یافته های تحقیق، همبستگی بین شاخص های متغیرها به روش کندال محاسبه گردیده و نتایج به دست آمده با نظریه سرمایه اجتماعی از رویکرد نظری تعامل متقابل نمادین تبیین و تحلیل می گردد. مشاهده می شود هرچند تاثیر سرمایه اجتماعی در گسترش سرمایه انسانی از جمله پیشرفت تحصیلی مورد تایید نتایج پژوهش های انجام شده است، رابطه ی عکس بین این متغیرها معنی دار به نظر نمی رسد و گسترش سرمایه ی اجتماعی نیازمند سازوکار مستقل اجتماعی از پیشرفت تحصیلی می باشد. واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، پیشرفت تحصیلی، نوجوانی، جنسیت، ناهنجاری اجتماعی.

^۱ هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

^۲ دانش آموخته فلسفه اجتماعی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان

Academic achievement and social capital

Dr. Afsane Varastefar; Professor Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University

Hamida Zhianbagheri; Graduated in Academy of Sciences of the Republic of Tajikistan

Our Society Today Over the past decade even not-so-distant past have been the considerable growth in academic achievement and College education is pervasive in the lives of young people. This paper shows that Is academic achievement has brought better social life, in the other words, do be Observed Significant direct relationship between the achievement as the independent variable and Social capital as the dependent variable?

Research Methodology is Survey and Collecting data has been done by the self-made questionnaire. Statistical Society is Teenagers studying in guidance school According to official statistics Department of Education in Tehran. Sampling that is very important in the generalizability of the results of this research field is calculated to form Combined and Stage by Targeted approaches, Quota and Random by Cochran formula and 195 Samples have questioned. By categorizing and describing the findings, the correlation between the index variables is calculated by Kendall method and the results are explained and analysis by social capital theory of symbolic interaction theory approach.

It be seen However, The impact of social capital on human capital development, Including academic achievement, It confirms the results of research, Significant inverse relationship between these variables do not seem and The development of social capital needs to be independent social mechanism of educational attainment.

Key word: Social capital, Human capital, Academic achievement, Teenager, Gender, Social anomie

مقدمه

تحولات سریع حوزه های مختلف اجتماعی، علمی و فرهنگی، بازخوانی و بازنگری ایده ها، روش ها و ابزارها را اجتناب ناپذیر ساخته است. گاهی از خود می پرسیم، تلاش ما برای افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان، زندگی بهتری را به ارمغان می آورد؟ جامعه با جانشینی نسلی به جای نسل پیشین دوام می یابد که آمادگی های لازم و کافی برای مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و فرهنگی را کسب نماید. این فرآیند که از طریق یک سلسله کنش های متقابل اجتماعی (social interaction) اتفاق می افتد، امروزه اصطلاحاً آموزش و پرورش نامیده می شود. ضمن آن که در چنین کنش های متقابلی، یک طرف قصد آماده سازی داشته و طرف دیگر در معرض آماده سازی قرار دارد. آموزش و پرورش در این معنا مشخصاً یک پدیده اجتماعی (social phenomenon) و متضمن کنش های اجتماعی (social action) است. کنش هایی که با افراد سر و کار داشته و از سوی آنان واکنش هایی (reaction) را بر می انگیزد.

طرح مسئله

آموزش های علمی مبتنی بر فرآیند یادگیری بیش از هر عامل دیگری انسان را قادر به تغییر محیط خود می سازد. از دلایلی که علاقه جامعه شناسان را به مطالعه آموزش و پرورش برانگیخته، تشخیص ساده این واقعیت است که آموزش و پرورش از هر دو جنبه رسمی و غیر رسمی نقش بسیار مهمی در رفتار فردی و اجتماعی بازی می کند و برای فهم رفتار فردی، گروهی و جمعی شناخت ماهیت آموزش و پرورش ضرورت تام دارد. مدرسه به عنوان عرصه ای برای کسب آموزه و تجربه در نوع نگرش و کنش حین تحصیل و پس از تحصیل دانش آموزان تاثیر می گذارد. آموزش و پرورش رسمی به شکلی که امروزه می شناسیم کلیدی است که درب نوسازی (modernization) جامعه را می گشاید و برای پاسخگویی به نیازها و مسائل روزافزون فرهنگ جامعه شهری- صنعتی به وجود آمده است. در جوامع متکثر (pluralistic) که از اقوام و نژادهای چندگانه تشکیل شده و ارزش های متفاوت و حتی متضادی در آن رایج است، از آموزش و پرورش رسمی انتظار می رود هنجارهای یگانه سازی برای همزیستی اجتماعی دانش آموزان با خواستگاه های متفاوت اجتماعی مانند تفاوت های فردی، خانوادگی، قومی، زبانی و طبقه اجتماعی و ... به آموزشگاه ها سرازیر شود. یکپارچه سازی آن ها در چارچوب کلاس و مدرسه، مستلزم فهم عمیق این تفاوت های اجتماعی و اثرات آن ها بر یادگیری است. در حالی که دانش آموزان به عنوان کنشگر در خرد ترین سطح تعامل در محیط های آموزشی، در دوره محدودی از شبانه روز و زندگی خود

تحت اقتدار آموزش و پرورش رسمی در مدرسه اند، تجربه اجتماعی بیرون از مدرسه در شکل دهی سبک زندگی مانند ساعات صرف شده در مدرسه اثر می گذارد و زمان نامحدودی از اوقات خود را تحت تاثیر کنش های غیر رسمی، نزد خانواده و رسانه های جمعی و... می باشند. برای کنترل و محدود کردن تاثیر عوامل محیطی خارج از نهاد آموزش و پرورش و داشتن سهم بیشتری از زمان دانش آموزان در مدرسه، ترویج علاقه به پیشرفت تحصیلی عامل مهمی است که به نوبه خود از سهم وسایل ارتباط جمعی، محیط و حتی خانواده می کاهد. دانش آموزان این کار را با کنترل وقتشان آغاز می کنند و معلم با کنترل نمرات. با اهتمام در جهت پیشرفت تحصیلی دانش آموزان طبیعتاً این سهم از زمان که متأثر از عوامل خارج از مدرسه می شود نیز به مطالعه متون درسی مرتبط با مدرسه، حضور در کلاس های کمک آموزشی و انجام تکالیف مربوطه اختصاص می یابد. به همین سیاق اگر هنجارهای اجتماعی مدرسه که هماهنگ با هنجار ارزشی پیشرفت تحصیلی است سهم بیشتری از ساعات زندگی دانش آموزان را کنترل کند، نمره پیشرفت تحصیلی نمایشی از میزان همنوایی با هنجارهای مدرسه ای است. در گذشته به دلیل همین ویژگی، آموزش و پرورش اساساً به عنوان نهادی محافظه کار مورد اعتنا بوده ولی امروزه این روند تغییر کرده است. اگرچه ارزیابی دقیق نقش و تاثیر آموزش و پرورش در نظام اجتماع کار دشواری است، با این وجود، شاید بتوان با ملاحظاتی از آن سخن به میان آورد. چنین مطالعاتی به کارگزاران آموزش و پرورش کمک می کند که از نقش ها و وظایف گوناگون موجود در محیط های آموزشی در ارتباط با اهداف آموزش و پرورش تصویر درستی به دست آورند و ضرورت ایجاد هماهنگی بین انتظارات مختلف را درک نمایند. این تحقیق موضوع تبدیل سرمایه های فردی به سرمایه های اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده، استفاده از نتایج و یافته های آن در زمینه اثرات متقابل پیشرفت تحصیلی و ناهنجاری اجتماعی، تصمیم گیری و برنامه ریزی آینده نگرانه تری را ممکن می سازد. مسئله ی اصلی این مقاله سنجش تاثیر پیشرفت تحصیلی بر کاهش ناهنجاری اجتماعی دانش آموزان است که از پایان نامه ی نگارنده ی همین مقاله با همین عنوان به راهنمایی استاد خانم دکتر افسانه وارسته فر بهره می گیرد.

اهداف پژوهش

با گسترش زندگی جمعی و کاهش کنترل گروه های غیر رسمی، انطباق با هنجارهای اجتماعی مشکل تر و مهم تر شده است زیرا در جوامع گسترده موجباتی فراهم می شود که کنشگران می توانند بیش از جوامع بسته از هنجارها تخطی نمایند. برای توجیه این امر می توان گفت که در چنین جوامع متکثری هنجارهای

مورد تبعیت گروهی به هیچ وجه مورد احترام دیگران در همان جمع قرار نمی گیرد و نتیجه این نابسامانی می تواند به بی هنجاری (anomy) فراگیر بیانجامد (فرجاد، ۱۳۷۴: ۲۱۴). بنابراین در جوامع گسترده برای ساماندهی جامعه پذیری و کنترل هنجارها نهادهای موثر اجتماعی می بایست با رویکردی علمی و متقن به فعالیت مضاعف پردازند.

اعمال محدودیت و کنترل اجتماعی برای رسیدن به توسعه اصلی بدون منازعه است ولی اعمال کنترل بر خود برای ایجاد وفاق اجتماعی از نوع پلیسی کارایی لازم را نداشته و مستلزم صرف هزینه بیشتری است. بلکه یادگیری توافق ارزشی و هماهنگی اجتماعی که در جریان جامعه پذیری در محیط های اجتماعی و به خصوص در مدارس که به آن وجدان (conscience) و یا وجدان جمعی (superego) و فراخود گفته می شود، به مراتب بسیار کم هزینه تر و کاراتر از اعمال کنترل بیرونی است. معمولاً افراد هنجار گریز توانایی کنترل کنش های جمعی خودشان را کمتر در دست دارند و به اصطلاح از وجدان جمعی کمتری برخوردارند. در جامعه امروز برای بقای وحدت اجتماعی چاره ای جز شناخت آگاهانه شکاف های ارزشی اجتماعی و رفع نمودن آن با انسجام توان و سرمایه های فردی و نیل به افزایش سرمایه های اجتماعی نیست. رشد نهادهای آموزشی و علمی می بایست به طور واقعی زمینه ساز پرورش با تحرک ذهنی و قابلیت سازگاری هنجاری باشد تا با درونی سازی باورهای مناسب برای توسعه انسانی و اجتماعی، دور و تسلسل متقابل میان کاهش همبستگی آن ها را باطل سازیم. در حالی که نزدیک به یک سوم از آثار علمی مرتبط به آموزش و پرورش به موضوع پیشرفت تحصیلی می پردازد، نکته مشترک این تحقیقات بررسی پیشرفت تحصیلی به عنوان متغیر وابسته است که نشان می دهد تأثیر بسیاری از عوامل مستقل بر پیشرفت تحصیلی سنجیده شده ولی تأثیر متقابل پیشرفت تحصیلی در این تعاملات در نظر گرفته نشده است. هدف این مقاله پرداختن به تأثیر پیشرفت تحصیلی به عنوان شاخص سنجش سرمایه انسانی بر کاهش ناهنجاری اجتماعی به عنوان شاخص سنجش سرمایه اجتماعی در جامعه ای است که با سرعت شتابان به افزایش پیشرفت تحصیلی در سطح همگانی دست یافته تا راهگشای پیش بینی نتایج بسیاری از برنامه های طرح شده و شناخت شکاف های ارزشی موجود در این جامعه گردد. به خصوص چون بررسی این رابطه در مقطع سنی دوازده تا چهارده سال که برش سنی نوجوانی را با همه ویژگی های منحصر به خودش در بر گرفته، انجام شده از بسیاری از سوگیری در نتایج به دست آمده مصون می باشد و تأثیر بسیاری از عوامل جانبی مانند وضعیت تاهل، پایگاه شغلی و ... کنترل شده و نتایج دارای اعتبار و مقبولیت بیشتری می گردد.

چارچوب نظری

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارت است از تحلیل علمی الگوها و فراگردهای اجتماعی متداخل در نظام آموزش و پرورش. تحلیل‌ها عمدتاً متمرکز بر سه زمینه اصلی نظام‌های بزرگ آموزش و پرورش، نهادهای آموزشی خاص و تعامل در محیط‌های آموزشی می‌باشد (علاقه بند، ۱۳۸۲: ۱۹-۲۰). این پژوهش به زمینه‌ی سوم (تعامل در محیط‌های آموزشی) توجه دارد. افراد به عنوان کنشگران اجتماعی خردترین سطح در جامعه‌شناسی و نقطه توقف طبیعی برای مطالعه در علوم اجتماعی هستند، اگرچه در علوم رفتاری دیگر مانند روانشناسی، تفکرات فرد و حتی بخشی از آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بنابراین تبیین جهت‌گیری و کنش‌های موجود در سیستم به وسیله مشاهده و مطالعه افراد، نیل به تبیین استوارتر و بنیادی‌تری را موجب می‌گردد. تعیین‌هنجارها از بعضی جهات، نمونه‌ی نخستین انتقال از سطح خرد به سطح کلان است. انتظار می‌رود که کنش‌های متقابل نمادین در آموزش و پرورش، هنجارهایی نظیر احترام به اقتدار مشروع و اطاعت از قانون را نزد کنشگران جامعه‌ی خود حفظ و تحکیم نماید. از سوی دیگر موجبات رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه کلان را در بلندمدت فراهم سازد.

کنش فردی	→	همنوايي با هنجارها	→	هنجارها
----------	---	--------------------	---	---------

نمودار شماره یک: روابط سطوح خرد و کلان در ظهور هنجارها

در این رابطه یک تحول مهم در علم اقتصاد، در نیم قرن گذشته، ارتباط ویژه‌ای با جامعه‌شناسی آموزش و پرورش یافته است. این تحول تحت عنوان سرمایه انسانی (human capital) یا سرمایه‌گذاری انسانی (human investment) در آموزش و پرورش شهرت یافته و آموزش و پرورش را اساساً به منزله نوعی سرمایه‌گذاری از سوی جامعه و فرد تلقی می‌کند. برای جامعه، بازدهی سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، دستیابی به نیروی کار با سطح مهارت و شایستگی فنی بالاتر و قدرت تولیدی فزاینده است که به نوبه خود تداوم توسعه و رشد اقتصادی - صنعتی را ممکن می‌سازد. پیشرفت تحصیلی به عنوان مولفه‌ای اصلی برای سنجش سرمایه انسانی با شاخص‌های افزایش دانسته‌ها، مهارت‌ها و تسلط به منابع آموزشی دانش‌آموزان مورد توجه بوده و برای افراد، بازدهی تحصیلی به صورت درآمد و پایگاه اجتماعی مطلوب‌تری است که بر اثر کسب مهارت و شایستگی علمی و فنی برای او میسر می‌شود (پاوالکو، ۱۹۶۸، علاقه بند، ۱۳۸۲: ۸۵). در حالی که سرمایه انسانی کمتر از سرمایه‌های فیزیکی ملموس است و در مهارت‌ها و دانشی که فرد کسب کرده تجسم می‌یابد، رویکرد دیگری با عنوان سرمایه اجتماعی پا به ادبیات جامعه‌

شناسی آموزش و پرورش گزارده که حتی کمتر از این حد قابل مشاهده است؛ زیرا در روابط میان افراد نهفته می باشد. سرمایه انسانی در اختیار کنشگر است و سرمایه اجتماعی در خط ارتباطی بین کنشگران است (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۵). اگرچه سرمایه اجتماعی منبع ارزشمندی است ولی به آسانی قابل مبادله نبوده و با برقراری هنجارهای اجتماعی مشاهده و با سنجش ناهنجاری اجتماعی کنشگران ارزیابی می شود. دانش آموزان در مدرسه به مرور، رویکرد خاصی نسبت به زندگی و نگرش خاصی نسبت به تحصیل و یادگیری پیدا می کنند. نظریه بازآفرینی فرهنگی (cultural reproduction) نیز به ارتباط سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در نهاد آموزش و پرورش توجه داشته و به تنظیم چارچوب نظری این نوشتار کمک کرده است. سرمایه اجتماعی هنگامی به وجود آمده و یا توسعه می یابد که روابط و هنجارهای اجتماعی میان کنشگران به شیوه ای دگرگون شود که کنش های آنان را تسهیل نماید. این راهبرد کوششی غیرمستقیم است که با درونی کردن هنجار تلاش برای رسیدن به پیشرفت تحصیلی، به درونی کردن هنجارهای اجتماعی بیشتری بیانجامد. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۱ - ۴۵۲).

با این دیدگاه در فرض نخست شکاف بین ارزش های آموخته شده در مدرسه با ارزش های عینی در جامعه یکی از دلایل عدم کنترل بر خود بر اساس توافق ارزشی در هنجارهای مدرسه ای است. در این صورت کنشگران درمی یابند که جامعه در تقسیم فرصت ها و سرمایه ها غالباً بر اساس ارزش های توافق شده ی شایسته سالارانه رفتار نمی کند. بلکه تصادف و شانس، دروغ و رانت خواری، روابط نسبی در آن دخیل می باشد. با چنین نگرشی ارزش ها و آموزش های مدرسه ای زیر سوال می رود. وقتی فرد تصور می کند که راه های سهل تری او را به استفاده از دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی جامعه می رساند؛ این نگرانی وجود دارد که تلاش های ارزشی از جمله کنترل خود و افزایش پیشرفت تحصیلی ابزار مناسبی برای رسیدن به موقعیت و وضعیت اجتماعی رضایتبخش تعریف نشود و تخطی از هنجارها و به سخره گرفتن توافقات ارزشی آسان می نماید. روابط اعتماد و قوانین حاکم بر ارتباط کمرنگ شده و در این حالت شکاف بین توافق ارزشی در جامعه با نظام ارزشی مورد توافق مدرسه ای مشاهده می شود.

دیدگاه دوم این که اگر داخل فضای مدرسه، شکاف بین آموزش های علمی و عمومی وجود داشته باشد نیز توافق های ارزشی مورد احترام اکثریت به دست نمی آید. یعنی از مدیریت سرمایه های انسانی مبتنی بر تخصص دانش آموختگان به افزایش سرمایه های اجتماعی مبتنی بر روابط اعتماد و اقتدار متقابل نخواهیم رسید. مفهوم یادگیری را اگر تغییر رفتار از طریق انتقال تجربه تعریف کنیم مشاهده می کنیم که ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در مدارس از راه افزایش محفوظات ذهنی به ویژه در موضوعات رفتاری

مانند تعلیمات اجتماعی، به نوعی سوگیری از فرآیند یادگیری است. به همین خاطر حتی اگر شکاف بیرونی ارزش های مدرسه ای با جامعه رد گردد و افزایش پیشرفت تحصیلی به عنوان ارزش مورد توافق برای به دست آوردن اقتدار در نظر گرفته شود؛ باز هم بستر مناسبی برای ایجاد روابط اقتدار و اعتماد متقابل فراهم نشده و برعکس به فردگرایی فزاینده می انجامد.

نتایج تحقیق حاضر در صورت تایید فرض همبستگی معنی دار بین تغییرات پیشرفت تحصیلی با ناهنجاری اجتماعی، نشان از شکاف بیرونی نظام آموزش و پرورش با تجربیات ملموس اجتماعی دانش آموزان دارد و در صورت رد این فرض شکاف درونی نظام آموزش و پرورش را در تعلیمات علمی و عمومی می نمایاند. در هر دو صورت آموزش و پرورش می بایست برنامه هایی برای رسیدن به بهبود وضعیت طراحی و اجرا نماید که نتایج این تحقیق می تواند مرجع موثری در تعیین پیش فرض های آن طرح ها و برنامه های فرهنگی و پرورشی باشد.

روش شناسی

پژوهش از نظر روش جمع آوری اطلاعات، پیمایشی (survey) و از نظر طرح تحقیق آزمونی است. زیرا در کنار توصیف وضع موجود و استفاده از روشهای آمار توصیفی مانند نسبت و درصد، به بیان همبستگی بین دو پدیده با محاسبه ضریب همبستگی خی دو و کنترل این ارتباط با متغیر کنترل (جنسیت) می پردازد. از نظر روش کنترل متغیرها، غیر آزمایشی و از نوع همبستگی است. زیرا بدون دستکاری و مداخله مستقیم، درباره روابط بین متغیرها به طور همزمان استنباطهایی به عمل می آید. از نظر هدف، کاربردی است زیرا نتایج این تحقیق می تواند راهنمای برنامه ریزان بوده و به کار آید.

روش جمع آوری داده ها به وسیله پرسشنامه محقق ساخته از نوع پاسخ های بسته به دست آمده و به شیوه چهره به چهره (face to face) تکمیل شده و پرسشگر، پاسخگویان را نسبت به آن توجیه نموده است. زیرا با توجه به سن پرسش شوندگان، دادن پاسخ های شوخی و درک متفاوت از یک عبارت احتمال زیادی دارد. پرسشنامه های استاندارد که در این زمینه ارائه شده دارای کاستی هایی بوده و اطلاعات لازم برای رسیدن به نتیجه متناسب با گروه هدف را در اختیار پژوهشگر نمی گذارد لذا دارای اعتبار لازم برای این تحقیق نمی باشد. اعتبار پرسشنامه محقق ساخته درخصوص روایی (validity) با دقت در روش نمونه گیری و تعیین حجم نمونه و پرسش مطابق نمونه های معرفی شده کنترل شده است. روایی درونی به وسیله کنترل عوامل ناخواسته محیطی موثر بر متغیر وابسته تأمین شده است. مفهوم متغیر مداخله در این تحقیق

خودپنداره در نظر گرفته شده است. در این تحقیق افزایش پیشرفت تحصیلی، انگیزه‌ها و پنداره‌ها، وضعیت و موقعیت جدیدی برای دانش آموز به وجود می‌آورد که به کاهش ناهنجاری اجتماعی می‌انجامد. پایایی (reliability) پرسشنامه با اجرای پیش آزمون در گروه گواه و محاسبه آلفای گرانباخ با اعتبار ۷۰ درصد پایایی سنجی شده و خطای‌هاله ای (hallow effect) با تمهید تکمیل پرسشنامه توسط خود دانش آموز کنترل شده و با ذکر مقدمه ای برای برقراری ارتباط و توجیه پاسخگو، مطلب را آغاز کرده ایم. پاسخ‌ها در طیف لیکرت که با مقیاسی توصیفی، ساده و قابل تعریف قابلیت انجام تحلیل روابط را به محقق می‌دهد، تنظیم شده است.

بنا به تعریف، پیشرفت تحصیلی (academic achievement) به عنوان متغیر مستقل، تسلط بر اطلاعات و دانشهای نظری در یک زمینه معینی می‌باشد (شریفی، ۱۳۸۰: ۴۸). پیشرفت تحصیلی معمولاً به عنوان یک متغیر کمی - فاصله ای در نظر گرفته می‌شود و برای محاسبه آن از میانگین نمرات امتحانی در یک دوره تحصیلی استفاده می‌کند (همان: ۵۵). برای اندازه گیری پیشرفت تحصیلی روش های دیگری نیز به کار برده شده است؛ از جمله استفاده از میانگین سه درس اصلی (سادات، ۱۳۷۷) یا استفاده از معدل نمرات سال قبل همراه نوبت اول سال جاری (برات وند، ۱۳۷۶) و یا نمره خام دروس را با میانگین نمرات سنجیده و دروسی را که همبستگی منفی و معنی داری دارند از جمع نمرات برای محاسبه میانگین حذف نموده، به این ترتیب شاخص پیشرفت تحصیلی را تعدیل نموده اند (قاجارگر، ۱۳۷۳). به هر حال، سنجش پیشرفت تحصیلی در این مطالعه، در دو بعد تعریف شده است. اول: از سنجش وضعیت تحصیلی دانش آموزان با توجه به معدل کل سال تحصیلی پیشین به دست می‌آید. دوم: در بعد افزایش سنوات تحصیلی مطرح می‌گردد. به این معنی که هر چه سال های تحصیلی افزایش یابد سطح سواد افزایش یابد؛ و افزایش سنوات درسی نوعی پیشرفت در تحصیل است.

در خصوص متغیر وابسته یعنی ناهنجاری اجتماعی (social abnormality) و دیدگاه های نظری مرتبط با آن، با وجود این که به طور نسبی مفهومی نوظهور است، آثار قابل ملاحظه ای راجع به آن تهیه شده و تحقیقات بسیاری در این رابطه در دست انجام است. به نظر می‌رسد معرفی گستره مفهومی ناهنجاری اجتماعی عمیق تر از ناهمگونی ظاهری مانند استفاده از حجاب و پوشش اجتماعی ناهنجار است و با کمک گرفتن از نظریات مطرح جامعه شناسی لایه های درونی تر آن روشن می‌شود. هنجارهای اجتماعی به عنوان اجزای شاکله سرمایه اجتماعی می‌تواند روابط دوسویه و متوازنی از اقتدار و اعتماد متقابل ایجاد نماید. باید دانست زمانی که ما در مورد هنجارهای اجتماعی صحبت می‌کنیم توجه داریم که هنجارها و

رفتارهای اجتماعی در جوامع خرد و کلان مختلف گوناگون است (فرجاد، ۱۳۷۱: ۱۶). ناهنجاری اجتماعی را در لغت به معنی فقدان سازگاری با ساخت کلی یک نظام می‌توان تعریف نمود. برای ارائه تعریف عملیاتی از ناهنجاری اجتماعی با بهره از دیدگاه فوکویاما، سرمایه اجتماعی با مقیاس منفی سنجیده شده است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۹)، بدین روش که از مفاهیم شعاع اعتماد و شعاع بی اعتمادی که درباره نحوه ارتباط اعضای گروه با هم و با غیر هم گروهان استفاده شده است و فرمولی که برای محاسبه کل سرمایه اجتماعی (SC) ارائه می‌دهد به کار گرفته می‌شود (شارع پور، ۱۳۷۹). البته پیش از هر چیز، لازم است مفهوم شخصیت ناهنجار اجتماعی از شخصیت ضد اجتماعی (antisocial) متمایز شود. شخصیت ضد اجتماعی مستعد ارتکاب قتل، دزدی، هتک عفت عمومی و مخالفت با موازین قانونی است (شکیباپور، ۱۳۵۱: ۲۹۴). ولی شخصیت ناهنجار اجتماعی روابط مبتنی بر اعتماد و اقتدار دوسویه را سست می‌نماید. در این تحقیق نیز ناهنجاری اجتماعی از همین دو بعد شامل ابعاد روابط اقتدار دو سویه و روابط اعتماد دو سویه ارزیابی شده است.

روابط اقتدار دو سویه به مولفه‌های سه گانه؛ ستمگری، فاصله از قدرت و منفعت طلبی تعریف می‌شود. روابط اعتماد دو سویه به مولفه‌های سه گانه؛ پنهانکاری، فردگرایی و پوشیده گویی تعریف می‌شوند. هر یک از مولفه‌های معرفی شده با شاخص‌هایی سنجش می‌شود که به شرح زیر خلاصه شده و برای هر یک از شاخص‌های بیان شده، رفتاری تعریف شده است که پرسشنامه را تشکیل می‌دهد:

ستمگری با شاخص‌های زورگیری، ناسزاگویی، ستم‌پذیری. فاصله از قدرت با شاخص‌های پرهیز از مشارکت در کار گروهی، پرهیز از مشارکت در مدیریت و انزوا طلبی. منفعت طلبی با شاخص‌های همگرایی بر اساس سودجویی اقتصادی و علمی، قدرت و فرصت طلبی.

پنهانکاری با شاخص‌های دروغ‌گویی، مسئولیت‌ناپذیری در امانت‌داری و دزدی. فردگرایی با شاخص‌های قوم‌گرایی، ترجیح بر اساس وضعیت اقتصادی و اجتماعی و همگرایی مذهبی و پوشیده گویی با شاخص‌های کنایه گویی، مسخره گویی و بدگویی (غیبت).

برای کنترل متغیرهای هوشبهر و همسانی آموزش‌های عمومی مدرسه، مدارس تیزهوشان، غیرانتفاعی و استثنایی از نمونه‌گیری حذف شده و با انتخاب حجم نمونه از مدارس دولتی که دانش‌آموزان با شرایط عادی و آزاد در آن تحصیل می‌کنند متغیرهای متداخل قشر اجتماعی که در بسیاری از تحقیقات اجتماعی با شاخص‌هایی از قبیل سطح درآمد (salary) نشان داده می‌شود نیز کنترل شده است (شریعتی، ۸۳: ۲۵).

در این تحقیق تأثیر جنسیت بر رابطه دو متغیر اصلی تحقیق را در یک فرض جانبی با تفکیک پاسخنامه‌ها بر اساس جنسیت به بررسی گزارده ایم.

جامعه آماری برپایه اطلاعات ارائه شده از مرکز آمار معاونت پژوهش، برنامه ریزی و منابع انسانی سازمان آموزش و پرورش شهر تهران، سیصد و هشتاد و هشت هزار و هفتصد و هفت دانش آموز مقطع راهنمایی تحصیلی در هزار و چهارصد و هفتاد و شش آموزشگاه شامل همه دانش آموزان مقطع راهنمایی تحصیلی شهر تهران می باشد. نمونه گیری در این تحقیق به روش «چند مرحله ای» صورت گرفته است. مرحله نخست به روش غیر تصادفی مناطق ۴ و ۱۱ از مناطق شهر تهران به روشی موسوم به «نمونه گیری بر پایه تشابه متغیرهای اصلی» (Purposive sampling) یا «هدفمند» انتخاب شده، در مرحله دوم از روش سهمیه ای (Quota sampling) در مناطق نمونه (۴ و ۱۱)، برای تعیین تعداد و نسبت جنسیتی دانش آموزان استفاده شده است. در معرفی توزیع نمونه‌ها، علاوه بر منطقه شهری، نسبت درصدی پایه تحصیلی و شکاف جنسیتی نیز در نظر گرفته شده است. در مرحله نهایی به روش تصادفی (Random) نمونه آموزشگاه‌های هر منطقه و دانش آموزان در هر آموزشگاه تعیین شده است که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۹۵ نفر می باشد. روش‌های آماری و تحلیل اطلاعات: داده های استخراج شده از پرسشنامه رتبه دهی و نمره گذاری شده، وارد نرم افزار SPSS می‌گردد. سپس جدول دو متغیره (دو بعدی) ناهنجاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ترسیم شده و پس از توصیف نتایج به دست آمده، ضریب همبستگی بین این دو پدیده کندال (خی دو)، محاسبه گردید.

یافته ها

پیشرفت تحصیلی: جمع بندی سه مولفه مورد بررسی نشان می دهد بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۰/۳ درصد) از افزایش پیشرفت تحصیلی بالایی برخوردارند (کسب امتیاز پنجم در این محاسبات). نزدیک به نیم دیگر (۴۴/۱ درصد) دارای افزایش پیشرفت تحصیلی متوسط بوده اند (امتیازهای دوم تا چهارم) و تعداد کمی از جامعه آماری (۵/۶ درصد) با کسب یک امتیاز میزان پایین پیشرفت تحصیلی را کسب نموده اند. بنابراین می‌توان گفت در کل افزایش پیشرفت تحصیلی پاسخگویان مشاهده می شود.

ناهنجاری اجتماعی: جمع بندی نمره ی رفتاری هریک از شاخص های مورد ارزیابی و محاسبه ی رتبه ی هریک از مولفه های سازنده ی ابعاد مورد سنجش، در کل نشان می دهد ۵۴/۴ درصد یعنی بیش از نیمی از پاسخگویان رتبه ی متوسط از ناهنجاری اجتماعی را در کنش های خود تایید داشته که گزینه‌های

به ندرت، گاهی و اغلب را در برابر پاسخ به گویه های مورد پرسش انتخاب نموده بودند. ۳۵/۴ درصد از پاسخگویان به طور مطلق و با انتخاب گزینه همواره، وجود رتبه ی بالا از ناهنجاری اجتماعی را در کنش های خود ابراز داشته اند. در این حال تنها ۱۰/۳ درصد از پاسخگویان گزینه هرگز را نسبت به گویه های رفتاری ناهنجر اجتماعی را اظهار کرده اند.

بنابراین به طور متوسط میزان ناهنجاری اجتماعی پاسخگویان را دارای رتبه متوسط می توان توصیف نمود. البته انتخاب گویه همواره برای اتصاف به رفتار ناهنجر اجتماعی توسط ۳۵/۴ درصد پاسخگویان در برابر ۱۰/۳ درصد پاسخ هرگز به آن نیز با توجه به تایید افزایش پیشرفت تحصیلی در کل، محل تامل می باشد. این گفتار به نتایج تحلیلی اختصاص دارد و متناسب با فرضیات تحقیق، از آزمون کی دو یا استقلال (χ^2) و ضریب همبستگی کندال تای بی استفاده می گردد.

فرضیه اول: «بین میزان پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد» با توجه به مقدار (χ^2) (3/96) با درجه آزادی (۴) با آلفای (۰/۴۱) می توان گفت که بین دو متغیر "میزان پیشرفت تحصیلی" و "میزان ناهنجاری اجتماعی" رابطه معناداری وجود ندارد که این نتیجه ما را به تایید فرض H_0 و رد فرض H_1 رهنمون می سازد.

بنابراین می توان در نتیجه آزمون فرضیه «بین میزان پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد» گفت که این دو متغیر رابطه معناداری با هم نداشته، بلکه دو متغیر مستقل از هم هستند.

پژوهشگر برای تدقیق بیشتر نتایج به دست آمده، ضریب همبستگی میزان ناهنجاری اجتماعی را با یکایک شاخص های پیشرفت تحصیلی شامل پایه تحصیلی و معدل سال قبل محاسبه نمود که نتایج حاصله به شرح زیر آمده است:

هر چند پایه تحصیلی، همبستگی با ناهنجاری اجتماعی ندارد و لیکن معدل سال قبل با میزان ناهنجاری اجتماعی ارتباط دارد. این ارتباط هر چند در سطح ۹۹ درصد معنی دار نیست و لیکن در سطح ۹۵ درصد همبستگی متوسطی را نشان می دهد و معنی دار است.

فرضیه جانبی: «متغیر جنسیت، تأثیری در رابطه پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی دارد.»

با اذعان به مقدار (χ^2) (7/85) به درجه آزادی (۴) با آلفای (۰/۱۰) می توان گفت که بین پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی برحسب دختر بودن رابطه ای وجود ندارد. به علاوه با (χ^2) (0/60)

با درجه آزادی (۴) با آلفای (۰/۹۶) باید گفت که بین پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی برحسب پسر بودن رابطه ای به چشم نمی خورد. پس می توان گفت که این فرضیه تایید شده است. بنابراین بین پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی برحسب دختر یا پسر بودن رابطه ای وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

توسعه اجتماعی از طریق برنامه ریزی آموزشی هنگامی تغییرات مطلوب را به بار می آورد که هماهنگ و هم گام با تغییرات سایر اجزای جامعه صورت گیرد. افزایش پیشرفت تحصیلی خواست ها و توقعاتی را در جامعه ایجاد می کند که کشور و دولت می بایست ظرفیت برآوردن آن ها را داشته باشد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۶۲-۶۳) در غیر این صورت خود به یک شکاف اجتماعی بدل می گردد. آن چه در مدرسه اتفاق می افتد بازتاب تمایل و تبادل نیروهای درونی مدرسه مانند کادر آموزشی و اجرایی، دانش آموزان، اولیای دانش آموزان و حتی فضای فیزیکی مدرسه با نیروهای بیرونی مانند نظام اجتماعی، شرایط سیاسی و اقتصادی و زمینه های کاربست علمی جامعه است. اگر آموزش تناسبی با نیازهای جامعه نداشته باشد پیشرفت تحصیلی بر دامنه تضادهای بیرونی و درونی کنشگران می افزاید. در جامعه در حال تغییر، از آموزش و پرورش انتظار می رود در درجه اول مهارت ها و نگرش های لازم را برای رشد و توسعه اجتماعی موجب شده و در درجه دوم قابلیت های لازم برای سازگاری و انعطاف در برابر رویکردهای جدید و درگیر شدن با تغییرات را فراهم می سازد. در چنین حالتی خطر مهم ناسازگاری و ناهنجاری در سطح فرد و جامعه بروز می کند. در این مقاله رد فرضیه نخست به معنی تایید فرضیه دوم مبنی بر همسویی جامعه ی مدرسه با جامعه ی واقعی نمی باشد بلکه نشان دهنده مشکل مضاعف در همنوایی اجتماعی بوده و حتی همسویی بین آموزش های علمی و عمومی در جامعه ی مدرسه ای نیز تایید نمی گردد. چنان چه بیان شد محاسبات مستدل بر پایه داده های متقن، نشان می دهد فرضیه اول مبتنی بر وابسته بودن میزان ناهنجاری اجتماعی به متغیر مستقل پیشرفت تحصیلی نیز رد شده است یعنی رابطه و هم تغییری معنی داری بین این دو عامل مشاهده نمی گردد. بنابراین می توان گفت در جامعه ایرانی میزان پیشرفت تحصیلی و ناهنجاری اجتماعی به طور همزمان دچار تغییر شده اند ولی این تغییر همسو نبوده و افزایش پیشرفت تحصیلی موجب کاهش ناهنجاری اجتماعی نگردیده که این اگرچه نه در حد یک خطر است ولی سرمایه های اجتماعی را تهدید می نماید. هرچند تلاش های بسیاری صورت گرفته تا به توسعه زندگی فردی و اجتماعی برسیم و لیکن

این تلاش ها بدون توجه به جنبه های اجتماعی و پرورشی مستقل از آموزش از جدیت کافی برخوردار نمی باشد. این دستاورد را می توان با استفاده از چارچوب نظری مقاله به صورت زیر تبیین نمود:

رویکرد سیستماتیک، الگویی به ما ارائه می دهد که طبق آن پذیرش یک هنجار مانند هنجار پیشرفت تحصیلی هزینه پذیرش هنجارهای دیگر را پایین می آورد. به بیان دیگر افزایش پیشرفت تحصیلی در یک سیستم تعریف شده به کاهش ناهنجاری اجتماعی می انجامد و در غیر این صورت یعنی نبود رابطه مکمل و متقارن بین عناصر سیستم، نشان از شکاف در ارتباط بین اجزا و تهدید واگرایی سیستم است. شکاف بین سطح ارتباط پذیرش هنجار پیشرفت تحصیلی با کاهش ناهنجاری های اجتماعی در حقیقت بازتاب شکاف بین اجزای نهاد آموزش و پرورش در آموزه های علمی و عمومی است. چنین سیستمی در خطر واگرایی ماهوی قرار دارد. هر چه مدرک گرایی آموزشی افزایش یابد، نمره انضباط در تعیین میزان هنجارپذیری دانش آموزان اعتبار کمتری یافته و افزایش پیشرفت تحصیلی که شاخص توسعه سرمایه های انسانی است از افزایش مهارت های زندگی و توسعه سرمایه های اجتماعی بر پایه کاهش ناهنجاری های اجتماعی دور می گردد. چنین توسعه انسانی به رشد فزاینده روحیه فردگرایی انجامیده و به سوگیری بیشتر پایه های اقتدار گرایش می یابد که در نتیجه اعتماد دو سویه نیز متزلزل می شود. در چنین حالتی می بایست دست اندرکاران امر به ترمیم سیستم آموزش کشور اولویت دهند تا نهادهای اجتماعی دیگر مانند نهاد خانواده و اقتصاد از کنش های ناهنجار مرتبط محفوظ بمانند.

از منظر رویکرد تضاد، شکاف بین آموزش های مدرسه ای و رسمی با آموزه های اجتماعی و غیررسمی به شکافی در درک دانش آموزان از وجهه ی هنجارهای پیرامونی شده که اعتماد متقابل را به نقطه صفر جهت داده و روابط اقتدار را جهت یک سویه متمایل می سازد. لذا در جامعه ای که بین هنجارهای مدرسه ای با دنیای واقعی زندگی همسویی مشاهده نشود علیرغم رشد سطح دانش های تخصصی افراد این دانایی ها هرگز به توانایی ملی مبدل نشده و به رشد اجتماعی منجر نمی گردد. دانش آموزان به جای شناخت منافع جمعی به سمت جلب منافع فردی علاقمند شده و آگاهی جمعی به ظهور نمی رسد. لذا هر چه جامعه رشد تحصیلی بیشتری می یابد، گسست اجتماعی در آن کمتر نمی شود و هنجارپذیری اجتماعی تابع یک عوامل دیگری که خارج از کنترل تدبیر نظام آموزشی - پرورشی است در جامعه تغییر سطح می دهد. یکی از راه های بررسی هر نظام اجتماعی نگرستن به آن به عنوان نظامی هنجاری در تعاملات متقابل است. رویکرد نظری کنش متقابل نمادین با توجه به کنشگران به عنوان آحاد عمل کننده و درک عوامل پنهان

موثر مانند تفسیری که این کنشگران از موقعیت‌ها و وضعیت‌های خود دارند، به عنوان متغیر مداخله‌کننده، دیدگاه مناسبی برای ارزیابی تبیینی عمیق و روشن از یافته‌های تحقیق به دست می‌دهد.

هر گاه کنشگران در موقعیت مشابه عملکردی مغایر انتظار از خود نشان می‌دهند، تفاوت رفتاری را می‌توان در تفاسیر آنها از وضعیت خود جستجو نمود که در پیش‌بینی‌ها از نظر دور مانده است.

چنانچه در جامعه‌ای افزایش پیشرفت تحصیلی در اجزاء افزایش سرمایه‌های فرهنگی به شمار آید، با بالا رفتن سطح پیشرفت تحصیلی، فرهنگ جامعه (روش و ارزشهای جامعه) ارتقاء یافته به افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌انجامد. لکن اگر کنشگر جامعه افزایش پیشرفت تحصیلی را در کسب مدرک و ابزاری برای تحقق منافع فردی و بهبود موقعیت اجتماعی خود تفسیر نماید آن‌گاه چنین توسعه انسانی ناگزیر به هماهنگی با بهبود سبک زندگی (Life Still) و کاهش ناهنجاری اجتماعی که همبستگی با تفاسیر و اندیشه‌های دگرخواهانه دارد، نخواهد بود. در چنین حالتی توسعه منابع و سرمایه‌های انسانی که در این تحقیق با شاخص افزایش پیشرفت تحصیلی سنجیده شد با کاهش ناهنجاری اجتماعی که با شاخص دقیق سنجه نحوه توزیع قدرت و روابط متقابل هنجاری سنجش گردید، از این جهت رابط معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

رد فرضیه جانبی مورد مطالعه مبنی بر تأثیر متغیر جنسیت در رابطه بین متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق مبین وجهه انسانی عوامل دیگر مؤثر بر پیشرفت تحصیلی و ناهنجاری اجتماعی است. در این خصوص تأثیر جنسیت در رابطه‌ای با سوگیری برخی ابعاد و شاخص‌های ناهنجاری اجتماعی مشاهده گردید و لیکن این روابط نیز هرگز به سطح معنی‌داری نرسید و قابلیت تبیین نیافت. در کل برخلاف تفکر عامه که افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی را با جنسیت پسران مرتبط می‌پندارند، میزان ناهنجاری اجتماعی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی تأثیری از جنسیت نپذیرفته است و همچنان به عنوان دو مسئله برای کل جامعه اعم از پسران و دختران مطرح می‌باشد.

نتایج به دست آمده از این تحقیق در هر یک از رویکرد نظری که تبیین گردید نشان از ضرورت عزم ملی در بازنگری به آموزش‌های عمومی و اجتماعی دختران و پسران نوجوان جامعه دارد. تلاش یک سویه برای افزایش پیشرفت تحصیلی که همه عوامل در تأثیر بر آن سنجیده می‌شوند نتیجه‌ای جز مدرک‌گرایی و افزایش بحران اجتماعی در بر ندارد و چنین صحنه‌آرایی نمایش بهینه در جامعه بر جا نمی‌گذارد.

به منظور کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی در گام نخست می‌بایست به شناسایی عوامل و متغیرهای هم‌بسته و وابسته آن با انجام تحقیقات تکمیلی پرداخت. در گام دوم کلیه دروس مرتبط با موضوع که محتوای

آموزش عمومی رسمی را تشکیل می‌دهند بازنگری نمود. در گام سوم برنامه ریزی مجدد و متمرکز برای ارتقای آموزش های عمومی با رویکرد کاهش ناهنجاری های اجتماعی انجام شود. این مقاله فرصت مناسبی است که به پیشرفت تحصیلی نه به عنوان یک هدف غایی بلکه به عنوان یک مسیر برای توسعه فرهنگی جامعه نگریده شود و تأثیر پیشرفت تحصیلی بر متغیرهای رفتاری دیگر اعم از فردی و اجتماعی سنجیده گردد.

فهرست منابع:

۱. ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷). جامعه شناسی توسعه. تهران: کلمه.
۲. برات وند، محمود. (۱۳۷۶). بررسی رابطه ساده و چند متغیری مقبولیت گروهی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی و سازگاری فردی و اجتماعی بین دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهرستان اهواز. به راهنمایی حسین شکرشکن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۳. پاشاشریفی، حسن و نسترن شریفی. (۱۳۸۹). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: سخن.
۴. دینی ترکمانی، علی. (۱۳۸۱). افول سرمایه اجتماعی. تهران: بنیان.
۵. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: شرکت سهامی سروش.
۶. سادات، نصراله. (۱۳۷۷). مقایسه دانش آموزان با مشکل رفتاری زیاد در زمینه پیشرفت تحصیلی در پایه پنجم ابتدایی شهر شیراز. به راهنمایی شهلا البرزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۷. سخاوت، جعفر. (۱۳۷۶). زمینه یابی ناهنجاری های اجتماعی دانش آموزان متوسطه شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۲). اندازه گیری سنجش و ارزشیابی آموزشی. تهران: دوران، چاپ سوم.
۹. شارع پور، محمود. (۱۳۷۹). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۳۶ و ۳۷.
۱۰. شکیباپور، عنایت اله. (۱۳۵۱). دایره المعارف روانشناسی. تهران: فروغی.
۱۱. علاقه بند، علی. (۱۳۸۲). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: روان، چاپ پنجم.
۱۲. فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۱). آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات. تهران: بدر، چاپ پنجم.

۱۳. فرجاد، محمدعلی. (۱۳۸۱). آموزش و پرورش در جهان نو. تهران: نشر رسانه الکترونیک.
۱۴. فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). پایان نظم و سرمایه اجتماعی. تهران: نشر ایرانیان.
۱۵. قاجارگر، مرتضی. (۱۳۷۳). بررسی رابطه انگیزش و پیشرفت تحصیلی دختر و پسر دوره راهنمایی منطقه ۷ شهر تهران. به راهنمایی احمد آقازاده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۶. کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. تهران: نشر نی.